

تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)-۲۷

پناهیان: اثر سی روز عبادت ماه رمضان باید ذلت نفس و افتاده‌حالی باشد/ هدف کلی «طاعات، عبادت و مبارزه با هوای نفس» ذلت نفس در برابر خداست/ چرا باید نفس خود را در مقابل خدا ذلیل کنیم؟

گزیدهٔ مباحث مطرح شده در **بیست و هفتمین جلسه** سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین پناهیان در مسجد امام صادق (ع) با موضوع «راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی» را می‌خوانید:

داروهای روحی برخلاف داروهای جسمی، برای اثرگذاری به «معرفت» و «نیّت مخلصانه» نیاز دارند/ باید بدانیم که قرار است نماز در ما «تذلل» ایجاد کند و تکبرمان را تضعیف کند

- برای اینکه دارو بر جسم انسان اثرگذار باشد، نیازی به «معرفت» و «نیّت» ندارد؛ یعنی اولاً نیازی نیست بدانیم یک قرص در سیستم بدن ما چه کاری انجام می‌دهد و ثانیاً لازم نیست قرص را به نیّت خوب شدن گلودرد مصرف کنیم. زیرا در هر صورت قرص یا دارو اثر خودش را بر جسم انسان خواهد داشت؛ چه معرفت و نیّت داشته باشیم و چه نداشته باشیم.
- اما داروهایی که برای روح انسان هستند، برخلاف داروهای جسمی، برای اثرگذاری، هم به «معرفت» و هم به «نیّت مخلصانه» فوق‌العاده نیازمند هستند.
- به عنوان مثال نماز برای درمان بسیاری از بیماری‌های ما بلکه برای همهٔ فحشاء و منکرها درمان و پیشگیری محسوب می‌شود (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ عنکبوت/۴۵) اما نماز با این عظمت، اگر بخواهد بر روح ما اثر بگذارد، هم نیاز به معرفت ما دارد و هم نیاز به نیّت مخلصانهٔ ما دارد.
- اگر ما به طور دقیق بدانیم و معرفت داشته باشیم که نماز چه اثری بر روح ما دارد، و نیّت ما هم در جهت همین اثرگذاری باشد، در این صورت است که نماز ما واقعاً مؤثرتر خواهد بود. یعنی به طور مشخص باید بدانیم که نماز دارد در ما «تذلل» و فروتنی ایجاد می‌کند و انانیت و تکبر ما را تضعیف می‌کند، و بعد هم موقع نماز خواندن نیّت کنیم که «خدایا! من می‌خواهم با این نماز، فروتنی و تواضعم افزایش پیدا کند و تکبرم ضعیف شود». اگر این معرفت و نیّت را در نمازهای خود داشته باشیم، تقرب به خدا تحقق پیدا می‌کند.
- انسان وقتی می‌تواند در این مسیر حرکت کند که اولاً بفهمد دارد چه کار می‌کند و ثانیاً آن چیزی را که فهمید واقعاً اراده کند. اصلاً این طور نیست که بگوییم: «تو نیکی می‌کن و چشم بسته در دجله انداز / که ایزد در صحرای محشر ت دهد باز!» اگر دین ما این قدر به تدبیر، تعقل، معرفت نفس و تفقه و فهم دقیق دین دعوت می‌کند به خاطر این است که واقعاً این فهم و این معرفت، فایده و اثر وضعی دارد.
- نباید از کنار مفاهیم کلیدی دین که در دین به آنها اهمیت داده شده است، راحت رد شویم بلکه باید فکر کنیم که چرا دین ما این قدر به این موضوع اهمیت داده است؟ خیلی بد است که انسان قدرت فهم خود را برای درک دقایق دینی مصرف نکند و آن را در سرگرمی‌ها دیگر نماید.

همان طور که از سرطان می ترسیم، باید از نفهمیدن عمیق مفاهیم کلیدی دین بترسیم/رسول خدا(ص): اف بر مسلمانی که یک روز از هفته را به فهم دین اختصاص ندهد

- باید همان طور که از سرطان می ترسیم، از نفهمیدن عمیق مفاهیم کلیدی دین بترسیم و وحشت کنیم، چون در این صورت انسان به اشتباهات وحشتناک ناخواسته دچار می شود.
- متاسفانه بعضی از مذهبی ها یا حزب اللهی ها هستند که عمق معرفتی ندارند و در یک فهم سطحی از معارف دینی متوقف شده اند و تصور می کنند که همه مفاهیم دینی را می دانند. مثلاً بعضی ها یک فهم سطحی نسبت به مفهوم کلیدی و عمیق تقوا دارند و فکر می کنند که این مفهوم با عظمت در «پرهیز از گناه» محدود می شود و به دنبال فهم عمیق تری از آن نیستند.
- **متاسفانه خیلی ها هستند که زحمت فهم عمیق دین را به خودشان نمی دهند و این خیلی بد است. رسول گرامی اسلام(ص) می فرمایند: «أف بر هر مسلمانی که در هفته یک روز را قرار ندهد که در آن روز، امر دین خود را بفهمد و بیاموزد، و درباره معارف دین خویش سؤال کند؛ أف لکل مسلم لا یجعل فی کل جمعة یوماً یتفقه فیہ امر دینہ و یسأل عن دینہ» (محاسن/۱/۲۲۵)**

- متاسفانه بعضی ها وقت چندانی برای فهم دین خود نمی گذارند و به همان فهم سطحی و عوامانه ای که از دین دارند اکتفا می کنند. و این سطحی نگری یا موجب دین گریزی خود فرد می شود و یا موجب رفتاری می شود که دیگران را از دین گریزان می کند. در حالی که خداوند از آنها خواهد پرسید که «این هوش و فهمی که به تو داده ام در چه راهی صرف کردی؟!» بعضی ها این هوش و استعداد را فقط صرف کنکور می کنند، بعضی ها صرف سرگرمی و امور دیگر کنند ولی صرف دین خودشان نمی کنند.

دین بیشتر یک مقوله روشن فکری و برای آدم های باهوش و فهمیم است / بی دینی یعنی حماقت، نفهمی و عوامی گری

- دین بیشتر یک مقوله روشن فکری و برای آدم های باهوش و فهمیم است. به عنوان مثال بررسی جالبی در یکی از کشورها انجام شده بود که نشان می داد، کسانی که در سال های اخیر به تشیع مشرف شده اند اکثراً افراد تحصیل کرده و لیسانس به بالا هستند. بی دینی یعنی حماقت، نفهمی و عوامی گری. هر کسی با دین مخالفت می کند یک نوع حماقت در وجود او دیده می شود. خداوند در مورد این ها می فرماید: «برای اینکه آنها مردمی بی خرد و نادان هستند؛ ذلک بانهم قوم لا یعقلون» (مائده/۵۸)

آنقدر که مذهبی های جاهل بلای جان دین هستند، افراد بی دین نیستند / مذهبی های جاهل به اندازه منافقین، خطرناکند / هر چه رنج می کشیم به خاطر نفهمی و جهالت برخی افراد مذهبی است

- در واقع نزاع اصلی دین دار و بی دین نیست، بلکه نزاع نادان ها و با شعور هاست. نزاع میان انقلابی و غیرانقلابی نیست بلکه نزاع میان شعور و عدم شعور است. نزاع اصلی همانطور که قرآن هم اشاره می کند، بر سر فهم و شعور است؛ و دین چه دردی را تحمل می کند از جانب برخی از مذهبی هایی که اهل فهم و شعور نیستند. این افراد گاهی در کنار گرایش های خوبی که دارند با نادانی خود به دین ضربه هم می زند.

- برخی مذهبی‌ها هستند که مفاهیم دینی به گوش‌شان خورده و کمانه کرده و الان این احساس و ادعا را دارند که همه دین را بلد هستند! گاهی اشتباهات این افراد مذهبی جاهل آن قدر بالای جان دین می‌شود که افراد بی‌دین تا این حد نمی‌توانند به دین لطمه بزنند.
- امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: دو گروه کمر مرا شکستند: ۱- منافق سرزبان دار و آدم فاسقی که بلد است چگونه از زبانش استفاده کند و حرف‌هایی می‌زند که مردم خوششان بیاید ولی خلاف دین عمل می‌کند، ۲- آدم مذهبی نفهم و جاهل. (قَطَعَ ظَهْرِي رَجُلَانِ مِنَ الدُّنْيَا رَجُلٌ عَلَيْهِ اللِّسَانُ فَاسِقٌ وَ رَجُلٌ جَاهِلٌ الْقَلْبِ نَاسِكٌ هَذَا يَصُدُّ بِلِسَانِهِ عَنْ فِسْقِهِ وَ هَذَا بِنُسُكِهِ عَنْ جَهْلِهِ فَاتَّقُوا الْفَاسِقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ الْجَاهِلَ مِنَ الْمُتَعَبِّدِينَ أَوْلَيْكَ فِتْنَةٌ كُلُّ مَفْتُونٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ يَا عَلِيُّ هَلَاكَ أُمَّتِي عَلَى يَدَيَّ كُلُّ مُنَافِقٍ عَلَيْهِ اللِّسَانُ؛ الخصال/ج ۱/ص ۶۹ و نیز: قَطَعَ ظَهْرِي اثْنَانِ عَالِمٌ فَاسِقٌ يَصُدُّ عَنْ عِلْمِهِ بِفِسْقِهِ وَ جَاهِلٌ نَاسِكٌ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى جَهْلِهِ بِنُسُكِهِ؛ غررالحکم/۲۴۵ و مجموعه ورام/ج ۱/ص ۸۲)
- متأسفانه به خطر گروه دوم یعنی افراد مذهبی جاهل کمتر توجه می‌شود، در حالی که در کلام اهل بیت(ع) این گروه به اندازه منافقین به جامعه ضربه می‌زنند. ما همواره از این دو گروه رنج‌های زیادی متحمل شده‌ایم. الان شما فکر می‌کنید رنج‌های جامعه ما در اثر چیست؟ الان هر چه رنج می‌کشیم به خاطر نفهمی و جهالت برخی افراد مذهبی است. همین نفهمی و جهالت آدم‌های مذهبی کم‌کم جمع می‌شود و به انحراف و تشتت تبدیل می‌شود.
- دین پدیده بسیار پیچیده‌ای است و چنین نیست که صرفاً چند مفهوم ساده باشد که یک بار آن را بشنویم و یاد بگیریم و تمام شود و دیگر نیازی به تعمق و تفکر نداشته باشد. دین موضوعی است که نیاز به دقت و تعمق دارد. دین نه تنها نیاز به متخصصینی دارد که باید به آنها مراجعه نماییم بلکه تک تک ما هم برای درک عمیق دین باید کار کنیم.

علی(ع): نفس خود را با طاعت پروردگار ذلیل کن / نفست را محاسبه کن و ببین که آیا بعد از انجام یک طاعت، ذلیل شده است یا نه؟

- در ادامه بحث مبارزه با هوای نفس به یک روایت از امیرالمؤمنین(ع) می‌پردازیم که فرمودند: نفس خود را با طاعت پروردگار ذلیل کن؛ ذَلَّلْ نَفْسَكَ بِالطَّاعَةِ «عیون الحکم/ص ۲۵۵» اگر طاعت کردی و بعد دیدی که نفست ذلیل نشده است، در واقع طاعت خدا را نکرده‌ای بلکه طاعت نفس خود را کرده‌ای یا اینکه نفست هم در آن طاعت شریک بوده است. مثلاً دیده‌ای «هم فال است و هم تماشا» یعنی دیدی در انجام این طاعت، هم نفس خودت را حال می‌دهی و هم دستور پروردگار را اجرا می‌کنی، و به همین خاطر آن طاعت را انجام داده‌ای.
- مشکل ما این است که نفس ما اجازه نمی‌دهد که فقط از خدا اطاعت کنیم، بلکه هم از نفس خود اطاعت می‌کنیم و هم از خدا اطاعت می‌کنیم و خداوند هم به ما می‌فرماید: «من شریک نمی‌گیرم! اگر همیشه و در همه اعمال نمی‌توانی نیت مخلصانه داشته باشی لاقلاً در برخی از اعمال و طاعات خودت نیت مخلصانه داشته باش و فقط برای من باشد، یعنی جاهلی که نفست تمایل ندارد، آن طاعت را انجام بده و این طور نباشد که فقط طاعت‌هایی را که نفست می‌پسندد انجام بدهی.» (سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَا

خَيْرُ شَرِيكٍ مَنْ اشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ عَمَلَهُ لَمْ اَقْبَلْهُ اِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا؛ كافي/ ۲/ ۲۹۵ و اَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ فَمَنْ عَمِلَ لِي وَ لَغَيْرِي فَهُوَ لِمَنْ عَمَلَهُ غَيْرِي؛ وسائل الشعيه/ ۱/ ۷۲)

چرا باید نفس خود را در مقابل خدا ذلیل کنیم؟ / نتیجه طاعت باید ذلت بیشتر نفس در برابر خدا باشد

- اگر می‌خواهی ببینی که واقعاً طاعتی که انجام داده‌ای، طاعت خدا بوده و نفست در انجام آن شریک نبوده است، نفست را محاسبه کن و ببین که آیا بعد از انجام آن طاعت، نفست در برابر خدا ذلیل‌تر شده است یا نه. نفس وقتی ذلیل می‌شود چگونه می‌شود؟ همان‌طور که بعضی‌ها در این دنیا ذلیل می‌شوند، (مثلاً به خاطر پول، خودشان را در مقابل دیگران خوار و ذلیل می‌کنند یا تکدی‌گری می‌کنند) باید نفس ما در مقابل خدا ذلیل بشود. باید ببینیم که آیا حاضر هستیم واقعاً نفس خود را در مقابل خدا ذلیل کنیم یا اینکه ما در مقابل خواهش‌های پست نفس خودمان ذلیل هستیم؟
- چرا باید نفس خود را در مقابل خدا ذلیل کنیم؟ چون می‌خواهیم خدا را ملاقات کنیم و کسی که در مقابل خدا ذلیل نشده باشد امکان راه یابی به ساحت مقدس قرب الهی را ندارد.

اثر سی روز طاعت و عبادت ماه رمضان باید ذلت نفس و افتاده‌حالی باشد / هدف کلی «طاعات»، «عبادت» و «مبارزه با هوای نفس» ذلت نفس در برابر خداست

- الان که آخر ماه رمضان است اگر می‌خواهیم ببینیم که طاعت‌های ما در این ماه درست بوده است یا نه باید ببینیم که آیا افتاده‌حال‌تر شده‌ایم یا نه؟ آیا الان از خدا بیشتر می‌ترسیم و حساب می‌بریم یا نه؟ مثلاً وقتی می‌خواهیم نماز خودمان را به تأخیر بیندازیم یک مقدار بیشتر بترسیم.
- در آخر ماه رمضان بعد از سی روز طاعت و عبادت، اثر این طاعت‌ها باید ذلت نفس و افتاده‌حالی باشد.
- هدف کلی طاعت، عبادت و مبارزه با هوای نفس، ذلت نفس است. نفس انسان باید در مقابل خدا ذلیل و فروتن بشود و این ذلیل شدن هر جای دیگر و در مقابل هر کس دیگری اگر زشت است، در مقابل خدا خوب است.
- یک نمونه عالی برای فهمیدن اهمیت ذلت نفس این است که برای قبولی طاعات خود بیش از خود طاعت اهتمام داشته باشیم. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «برای اینکه خدا عمل‌تان را قبول کند بیشتر از عملی که انجام داده‌اید، برای قبولی آن تلاش کنید و زحمت بکشید؛ كُونُوا بِقَبُولِ الْعَمَلِ اَشَدَّ اِهْتِمَامًا بِالْعَمَلِ» (مجموعه ورام/ ج ۱/ ص ۶۴)
- حالا که در طول ماه مبارک رمضان روزه گرفته‌ایم و عبادت انجام داده‌ایم باید بیش از طاعت‌هایی که انجام داده‌ایم نسبت به قبول شدن یا نشدن آن طاعت‌ها نگران باشیم و در خانه خدا التماس کنیم تا این اعمال ما را قبول کند، در این صورت است که نفس ما ذلیل خواهد شد. چون نشان می‌دهد که ما به این اعمال خود مغرور نشده‌ایم.

انسان هرکاری انجام بدهد تا نفسش را ذلیل کند، نفسش همان کار را سرمایه عجب خود قرار می‌دهد

- چرا حالا که سی روز زحمت کشیده‌ایم و روزه گرفته‌ایم، باید بیشتر از آن زحمت بکشیم تا این روزه‌ها و طاعت‌های ما قبول شود؟ چون نفس انسان یک بیماری دارد به نام «خودپسندی» و «خودخواهی» که هر کاری انسان انجام می‌دهد تا او را ذلیل کند، اتفاقاً همان کار را سرمایه عجب خودش قرار می‌دهد. یعنی با

همان کاری که انجام داده‌ای تا گردن نفس را بشکنی، می‌خواهد گردن کشی کند! این بیماری نفس انسان است به نام «عُجَب» که جلوگیری از آن واقعاً سخت است.

- مثلاً وقتی به نفس خود می‌گویی که در مقابل خدا سجده کن، ابتدا مخالفت می‌کند و نمی‌پذیرد، اما اگر بتوانی او را به سجده کردن وادار کنی، بلافاصله وقتی سرت را از سجده برداری مهم می‌زند و می‌گوید: «ولی عَجَب سَجْدَةُ قَشْنِغی کردم!» یعنی خودپسندی می‌کند.

عذرخواهی از گناهان مهم‌تر از گناه نکردن است/ چون عذرخواهی، انسان را ذلیل خدا می‌کند

- چرا عذرخواهی کردن ما از بابت گناهان ما مهم‌تر از گناه نکردن است؟ چون عذرخواهی کردن در مقابل خدا انسان را خوار و ذلیل می‌کند و همین ذلیل شدن در مقابل خدا برای خدا مهم است نه اینکه «گناه نکنیم و از گناه نکردن دچار عُجَب شویم.» اصلاً به همین خاطر است که گاهی خداوند بنده‌اش را رها می‌کند که گناه کند تا دچار عُجَب نشود چون خدا می‌داند که گناه برای بنده مؤمن از عُجَب بهتر است (إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ أَنَّ الذَّنْبَ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الْعُجْبِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ مَا ابْتُلِيَ مُؤْمِنٌ بِذَنْبٍ أَبَدًا؛ کافی/ج ۲/ص ۳۱۳)

اگر خواهش و تمنا برای قبولی عمل نباشد، همه طاعت‌های سی روز ماه رمضان از بین خواهد

- همین الان می‌توانید اثر اهتمام برای قبولی عمل را بر روح و جان خود امتحان کنید. به درگاه خدا منت کشی کنید و بگویید: «خدایا! خواهش می‌کنم، این ماه رمضان را از من قبول کن! درست است که طاعت‌های من اصلاً به درد نمی‌خورد ولی التماس می‌کنم که قبول کنی» ببینید با همین مناجات کوتاه چه اتفاقی در روح ما می‌افتد؟ «تذلل» و نورانیت. همین که شروع می‌کنی به التماس برای قبولی عمل، باصفا می‌شوی.
- اگر این خواهش و تمنا برای قبولی عمل نباشد، و این تذلل نباشد همه طاعت‌های و مناجات‌های سی روز ماه رمضان از بین خواهد رفت و دست خالی خواهیم ماند.

تذلل نفس هدف طاعت است و اگر بعد از طاعت به تذلل نرسیم، معلوم است طاعت ما درست نبوده

- **تذلل نفس هدف طاعت است و اگر طاعت کرده باشیم ولی به تذلل نرسیم، معلوم می‌شود که یک جایی از طاعت ما اشتباه بوده است. این تذلل در پیشگاه خداست که آدم را حفظ می‌کند. ضجه زدن و تمنای قبولی نماز کردن بعد از نماز است که آدم را حفظ می‌کند و الا اگر این تمنا نباشد چه بسا خود نماز آدم را فاسد کند. چون اگر این تمنا نباشد، عُجَب خواهد آمد.**

- حالا که آخر ماه رمضان است دو تا کار باید انجام دهیم: ۱- تمنا کنیم که خدا طاعت‌های ما را قبول کند ۲- از طاعت‌ها و عبادت‌هایی که انجام داده‌ایم استغفار کنیم و بگوییم «خدایا! ببخش که این عبادت‌ها و طاعت‌های ما ناقص بود و اصلاً متناسب شأن تو نبود. اصلاً این عبادت‌های ما را ندیده بگیر.» این حالت است که می‌تواند برای ما تذلل و فروتنی بیاورد.

